

روزنه

اخبارات

یادداشت: «ارتباط مستقیم»؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده

دولت آقای دکترروحانی رئیس‌جمهور منتخب در آغاز راه‌است. نقد‌روش‌های ارتباط مستقیم با مردم در دولت‌های گذشته، نیازی است که مشاوران رئیس‌جمهور جدید می‌توانند انجام دهند و برنامه‌های ارتباط مستقیم آقای دکتر روحانی و مسوولین دولت او با مردم را از امروز تبیین کنند. در این نقد و برنامه‌ریزی جدید، عیار سنجی روش‌های گذشته از بهره‌گیری از رسانه ملی (صداسیما) تا برقراری نشست‌های خبری، مطبوعاتی یا سفرهای استانی و حضور در مجامع گوناگون به‌خصوص ارتباط مستمر با جوانان، یک نیاز است. ارتباط مستقیم استوار و مستحکم بر این واقعیت تکیه‌ناپذیر قرار دارد که آقای دکتر روحانی رئیس‌جمهور منتخب مردم است و مردم با این انتخاب با رئیس‌جمهور خود خداحافظی نکرده‌اند و نمی‌خواهند او را انتها بگذارند.

بحار

یادداشت: «حسن روحانی و گروه «حشوی»»؛ عبدالله ناصری

اصولگرایان اقتدار گرا یعنی یخش افراطی جریان اصولگرایی مثل «گروه حشوی» ناشیانه درصددند به سرعت ماهیت اصلاحطلبی گفتمان «اعتدال» را محو کنند و آن را برگرفته با همسو با گفتمان شکست خورده مقاومت بدانند و احیانا اصطلاح جدیدی به نام اعتدال مقاومتی را در ادبیات سیاسی ترویج کنند. غافل از آن‌که میزان رای گفتمان «مقاومت» در انتخابات اخیر نشان داد اصلا مردم چون از این گفتمان عجیب و غریب چیزی جز تنش‌زایی تهدیدگرانه نمی‌فهمند بر این‌باورند که تأمین منافع ملی و حتی مصلحت دینی و عمومی هم در ترویج همین گفتمان عقل‌محور اعتدال که ذاتا اصلاح‌چتر است، نهفته‌است. بی‌شک نخستین گام از سبوی رئیس‌جمهوری محترم منتخب برای نمایش دودگانی دو گفتمان «اعتدال» و «مقاومت»، چینش کلیشه خود خواهد بود.

انتقاد

یادداشت: «باز گشت احمدی نژاد»؛ جعفر گلایی

نکته بسیار مهم و استراتژیک برای عبور از حالت کنونی و اطمینان از عدم بازگشت اوضاع پیشین توجه عمیق و کارشناسانه و همه‌جانبه به مستمندان و فقر و مساکین و به حاشیه‌اندشندگان است، تعارف نکنیم، فراموش هم نکنیم که تا اینجا کار هم فرودستان جامعه ما نجابت و رشد و صبر از خود نشان داده‌اند که نه‌تنها جهان پرلااسته‌اند که به نخبگان و دانشگاهیان و عالمان و روشنفکران و سبایسون از جو جناح اقتدا کرده خود وارد کارزار رسیدن به مطالبات اولیه خویش نشده‌اند، اگر خدای ناکره ده حاشیه‌نشین‌های اقتصادی امید خود را از دست بدهند و اختلاف وحشتناک طبقاتی همچنان روح و روان‌شان را له و از انتخابات و از کشتگری بالادستیان نسیم گشایش حس نکنند فشارهای روزافزون معیشت اختیار از کفشان خواهد ربود و دست به‌کار می‌شوند و بازگشت هرج‌ومرج مدیریتی تنها گوشه‌ای از میداناری آنها خواهد بود.



یادداشت: «فرهنگ در انتظار کلبه اعتماد»؛ مهیار زاهد
نیاید فراموش کرد که با حذف یارانه کافذ راه بر بسیاری از سولهائتفاها و سودجویی‌ها زیر لقای نام فعالیت فرهنگی مسدود شد اما این امر نیز قابل کتمان نیست که ناشران و جامعه فرهنگی در ازای حذف یارانه دولتی کافذ هیچ امتیاز درخوَر توجیهی را نیز به دست نیآورند تا ابداه این روند در دولت‌احمدی‌نژاد امروز وضعیت منعت نشر و افزایش قیمت کتاب به مزز بچران نزدیک شده و اداهه حیات بسیاری از ناشران را با تردید روبه‌رو کرده، سینماگران نیز از جمله گروه‌هایی هستند که به‌خصوص طی چند سال آخر دولت دهم بیشترین ریزواری را با برخی از تصمیم‌های ارشاد داشته و در نهایت نیز نتوانستند با مسوولان سینمایی خود به توافقی پایدار دست یابند اظهارظ‌های برخی از چهره‌های سرشناس سینمایی طی روزهای گذشته نیز نشان از آن دارد که در حال حاضر بازگشایی مجدد خانه سینما جدی‌ترین مطالبه سینمایی‌ها از وزیر ارشاد دولت روحانی محسوب می‌شود

خوشید

یادداشت: «پیش‌بینی پسر احمدی نژاد در سال ۸۷ چه بود؟»

پسر کوچک (احمد)احمدی‌نژاد، در اردیبهشتماه ۱۳۸۷ بر روی وبلاگ شخصی خود منتشر کرد. وی در این یاداشت کوتاه از اتحاد اصولگرایان و اصلاح‌طلبان بر ضد احمدی‌نژاد و ماجرای پیامک‌های اشتباهی رئیس‌جمهورشن احمدی‌نژاد و ارتباط آن با سرسرال مرد هزارچهره نوشته بود... احمدی نژاد در سال ۱۳۹۲: من نه استلدار بودم نه شهردار بودم و نه رئیس‌جمهور بودم من هیچ کدام از اینها نبودم من فقط اشتباهی بودم!افکر می‌کنم پس از پایان سرال مرد هزارچهره اولین پیامک طنزی که برآمد همین بادی بود، از این دست پیامک‌ها که به دست من نمی‌رسید و من هم مثل بقیه می‌خندم و برای دوستانم می‌فرستم...و اما نمی‌دونم این آخری چرا به جواری من رو به فکر واداشت... من اشتباهی بودم... تو این دوره زمونه که اتحاد یک حرکت کمپاب اجتماعی است با کمی وقت می‌توان شاهد شکل‌گیری یک اتحاد بزرگ اصولگرا نمایان (۴) و اصلاح‌طلب نمایان - در جهت دوختن و اتصال نقاط آسیب‌دیده دایره و همچنین بیرون ناختن نفوذی‌های احمدی‌نژاد در دایره- بود که خوشبختانه فکر می‌کنم این اتحاد تا سال آینده به صددرصد برسد.احمدی‌نژاد اشتباهی بود چون معادلات نباید اینجوری جواب می‌داد و اشتباهی بود چون صاحبان اصلی این انقلاب (مردم) حامی او بوده و هستند و اشتباهی خواهد بود تا وقتی بخواد با مردم باشد.

سیاست

علیرضا بهشتی:

بهشتی، انسان بدون آزادی را انسان نمی‌داند



علی‌رضا بهشتی

صحنه، شرق

مهسا جزینی: دیروز سسی‌ودومین سالگشت شهادت آیت‌الله بهشتی و جمعی از اعضای حزب جمهوری اسلامی به‌دنبال انفجار بمب در دفتر این حزب بود. با «علیرضا بهشتی» درباره پرده‌پشت‌وگو کردیم. نگاه بهشتی به تحزب و آزادی‌های سیاسی، نقش او در رخداد‌های اوایل انقلاب و تعامل بین نیروهای سیاسی، تلاش بهشتی برای گفت‌وگو با افراد و گروه‌های سیاسی متعارض و نوع نگاه و برخورد او به «مخالف سیاسی» از مهم‌ترین محورهای گفت‌وگو با ما فرزند او بود. «علیرضا بهشتی» دکترای فلسفه سیاسی دارد و عضو هیات علمی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس و دبیر کل جمعیت توحید و تعاون است.

سقف خواسته‌های سیاسی آنها مشخص است مثل گروه نواب صفوی. اما گروه سوم نوآندیشان دینی هستند برعکس گروه اول و دوم اما چون حاصل گفت‌وگو و تعامل بین روشنفکران دین و عالمان نوآندیش هستند توانایی گفتمان‌سازی بالایی دارند و چون به نیازها و مقتضیات در حال تغییر جامعه ایران و برخورد با مدرنیته پاسخ‌های قانع‌کننده‌تری می‌دهند جاذبه بیشتری دارند. من مرحوم طالقانی، مطهری، بهشتی، مفتح، باهنر (که متأسفانه ناشناخته‌مانده است)، گلزاده غفوری، محمدنقی شریعتی، یار‌کارن، سجایی‌ها، امام‌موسی صدر، دکتر شریعتی و علامه جعفری را در این گروه سوم می‌بینم و از این لحاظ تفاوتی بین آیت‌الله طالقانی و بهشتی نمی‌بینم.

ا **پس ریشه اختلافات در کجاست؟**
بیشتر به زمان تأسیس حزب جمهوری‌اسلامی برمی‌گردد که در فضای سیاسی کشور واکنش ایجاد می‌کند هم بین روحانیون سنتی و هم گروه دوم و هم گروه و سازمان‌های سیاسی‌سابقه.

ا **چرا؟**
شاید چند دلیل مهم داشته باشد. اول اینکه موسسین همه روحانی هستند. دوم اینکه برخی افرادی که ارتباط دارند با موسسین یا با خود آیت‌الله بهشتی، یا دعوت نشدند یا به دلایلی نیاآمدند و از سبویی یک تفکری هم وجود داشت آن زمان که اعتقادی به ورود روحانیون به دسته و تشکیلات حزبی نداشت. تشکل سنتی را مثل جامعه روحانیت مبارز می‌پذیرفت اما حزب را نه. مثلاً آقای مهدوی درس می‌خواند اما موفق نبود و خیلی‌های دیگر، یکسری گروه‌ها هم بودند که سابقه آقای بهشتی را می‌دانستند. آنهایی که عضو حزب توده یا کنفدراسیون بودند سابقه ایشان را می‌دانستند و از طرف آنها هم تشکیل این حزب با استقبال روبه‌رو نشد و عامل دیگر بود که موسسین درست است که از سوی شورای انقلاب معرفی نشده‌اند اما همه می‌دانستند که اینها عضو شورای انقلابند و این تصور ایجاد شد که نکنند اینها می‌خواهند از رانت حکومتی برای قبضه‌کردن قدرت استفاده کنند و نگذارند دیگران هم فعالیت کنند و عامل چهارم هم که درباره شخص خود بهشتی است این است که ایشان همیشه قبل از رفتن به آلمان خیلی حرف‌وحديث پشتش بود اینکه ایشان فرهنگی و معلم آموزش‌پرورش بود، انگلیسی درس می‌خواند، نویسنده بود و دخترشان که آنجا روسری و مانتو می‌پوشیدند.

تصور ایجاد شد که نکنند اینها می‌خواهند از رانت حکومتی برای قبضه‌کردن قدرت استفاده کنند و نگذارند دیگران هم فعالیت کنند و عامل چهارم هم که درباره شخص خود بهشتی است این است که ایشان همیشه قبل از رفتن به آلمان خیلی حرف‌وحديث پشتش بود اینکه ایشان فرهنگی و معلم آموزش‌پرورش بود، انگلیسی درس می‌خواند، نویسنده بود و دخترشان که آنجا روسری و مانتو می‌پوشیدند. بهشتی کسی است که روی میل می‌نشیند، اتومبیل دارد و می‌داند و هنوز هم هستند و در فهم و شناساندن دین و سازمان روحانیت، نگاه سنتی دارند. جریان دوم به لحاظ فهم دین، سنتی هستند اما در مورد شیوه‌های فهماندن دین نوآوری‌هایی دارند و به اسلام سیاسی اعتقاد دارند اما نه‌گردد ایران، سال ۴۹ است. همان سال ایشان گزارش

ا **پس به نظر شما اختلاف در روش‌های اداره کشور است نه اصول فکری اعتقادی؟**

بله و این را صریحا آقای بهشتی گفته است. در سخنرانی ایشان در یزد بعد از تسخیر سفارت آمریکا که جو به شدت علیه دولت موقت است، یکنفر دراین‌باره از ایشان سوال می‌کند که دولت موقت، خیانت کرده که با آمریکا مذاکره کرده است اما آقای بهشتی می‌گوید ما با اصل مذاکره مخالف نیستیم اما گلايه ما از دوستان این است که گزارش این سفر به شورای انقلاب ارایه نشده است. چون شورای انقلاب در جایگاه مجلس است و ایشان همان‌جا تعریف و تمجید می‌کنند از دوستان دولت موقت، و آنها را دوستانی قدیمی و متدین می‌خواند. حتی در مورد آقای بنی‌صدر صحبتی دارد. در خرداد ۶۰ بعد از عزل بنی‌صدر و خطایش اعضای داخلی حزب است و به شدت هشدار می‌دهد درباره نوع انتقاد به بنی‌صدر و می‌گوید به صداوسیما هم تذکر دادم که این شیوه غلط است اگر می‌خواهید انتقاد کنید همان‌طور انتقاد کنید که از ما انتقاد می‌کنید مبدا در عین برشمردن نواقص و کاستی‌های او توانمندی‌های ایشان را نادیده بگیریم. گفتن این حرف خیلی مسأله‌است. یعنی زمانی که بنی‌صدر متواری است و جو کاملا علیه اوست. حتی درمورد دولت موقت و آقای بازرگان هم چون بهشتی نسبت به آنها شناخت دارد، به اصرار بعد از استعفا آنها را به شورای انقلاب می‌برد. آقای بهشتی خیلی با استعفاى دولت موقت مخالف بود و تلاش هم کرد که این اتفاق نیفتد که موثر نشد. شما می‌دانید که اعضای دولت موقت ابتدا جزو شورای انقلاب بودند بعد به دولت رفتند و بعد دوباره به شورای انقلاب بازگشتند. قصدم این است که بگویم این چهره بهشتی در تبلیغات و خطابه‌ها و سخنرانی‌ها بعد از شهادتش گم شده است.

ا **منظور شما در نگاه رسانه‌هاست؟**

هم نگاه رسمی، هم رسانه‌های خارج از کشور. کلاش رسانه‌ها تلاش می‌کردند با روش‌شناسی علمی با مسائل تاریخی، منصفانه برخورد کنند نه صرفا محاکمه شخص ایشان با هر کسی دیگر. بازسازی تاریخ کار سختی است اما ما باید سعی کنیم تا جایی که امکان دارد اطلاعات درست در اختیار مخاطب قرار دهیم و قضاوت را به خودشان بسپاریم.

ا **خط ارتباط آقای بهشتی با نیروهای چپ یا خط امامی چگونه بوده؟ گفته می‌شود که آقای بهشتی به‌ویژه در حزب جمهوری‌اسلامی به این گروه و طیف نزدیک بوده بر خلاف طیف راست حزب. از این صحبت، نتیجه‌گیری دیگری هم می‌خواهم بکنم که بعدا به آن می‌رسیم.**

خط امامی‌ها هم آن زمان یک طیف گسترده بودند و هنوز هم هستند اما آنها بخش کمی‌شان با آقای بهشتی هم‌دلی داشتند و از قضا آنها نقد هم داشتند به حزب جمهوری‌اسلامی. دانشجویان پیرو خط امام با شاخه دانشجویی حزب جلسه‌ای داشتند و از آنها سوال می‌کنند که اگر بخواهند سفارت آمریکا را بگیرند آیا از آنها حمایت می‌کنند و پاسخی که می‌شوند با توجه به آگاهی‌ای که از مواضع حزب داشتند مخالفت می‌کنند و بعدا هم فاصله‌شان را با حزب به‌شدت حفظ می‌کنند. بعدا هم جو تبلیغاتی علیه بهشتی درست می‌شود که در لانه جاسوسی سند دارد. آن زمان خیلی از خبرنگاران و افراد خارجی نزد آقای بهشتی می‌آمدند و صحبت می‌کردند. ایشان با مذاکره مشکل نداشت. می‌دانستند که اسنادی از ایشان در سفارت هست که آن زمان نفس داشتن سند در سفارت برای هر کسی یک برگ منفی بود اصلا محتوایش مهم نبود. می‌گفتند فلائی در لانه سند دارد هر کسی بود حیثیتش بر باد می‌رفت. توجه کنید که ما با مردم ایران ۳۴سال قبل روبه‌رو هستیم نه حالا که به یک بلوغ سیاسی نسبی دست‌یافته‌ایم. بعد که امام از اقدام دانشجویان حمایت می‌کند آقای بهشتی هم در مجلس خبرگان صحبت کوتاهی دارد که به نظرم باید خیلی به محتوای آن دقت کرد. آقای بهشتی نگاهشان این بود که تا کی می‌خواهید اینها را گروگان نگه دارید؟ نمی‌شود که برای همیشه اینها را گروگان نگه دارید. همین نظرات با مقاومت برخی دوستان تسخیرکننده سفارت مواجه می‌شد. این حرف‌ها خیلی ابیراهی و محافظه‌کاری محسوب می‌شد و از این‌باب تا آخر کار گنگ باقی‌مانده است.

ا **درواقع می‌توان گفت که بهشتی نگاه حذفی ندارد...**
واقعا اینطور است. گفتن این حرف الآن با تصویر غلطی که از تاریخ آن زمان داده شده است کمی تقیل است. او حتی نسبت به کسانی که با انقلاب میانه‌ای نداشتند برخورد حذفی نمی‌کرد.

مکتب فلسفی اگزیستانسیالیسم انسان را از شکل مهره یک ماشین بزرگ که در مکتب‌های مادی بوده درآورده و صریحا او را به‌عنوان یک تافته جدا بافته معرفی کرده، از این‌نظر واقعا حق بزرگی بر گردن روزگار ما دارد. جالب توجه این است که می‌گویم مکتب‌های مادی و نمی‌گویم مارکسیسم، برای اینکه مارکس در نوشته‌ها و تفکر اخراج جز این نمی‌توانسته فکر کند که انسان تافته جدا بافته است. موضوع در دیگر مکاتب مادی خوب بیان نشده، ولی در مکتب اگزیستانسیالیسم خوب بیان شده است. به این دلیل است که من مکرر از آن یاد می‌کنم. (درس‌گفتارهای فلسفه دین، ص ۱۷۰) در رفتار سیاسی‌اش پس از حادثه، ده‌لی‌داغ‌دارمان را تسلی دادیم به اینکه شهادتش گواهی بر حقانیت راه مصلحان دلسوز این آب و خاک خواهد بود و مهر خامی بر عادت اتهام‌سازی‌های نافرجام و بدفرجام و از این پس نه ترور شخصیتی در کار خواهد بود و نه بازار داغ شایعه‌پراکنی نیست، به‌عنوان یک اندیشمند از یادآوری وامداری بشر به آن مکاتب کوتاهی نمی‌کند: من با اگزیستانسیالیسم مادی هیچ‌گونه قوم و خویشی فکری ندارم، اما چون رخت پرستن آن را گفتمان‌های رایج باشیم.

خبر

پیام فرزند آیت‌الله طاهری اصفهانی به سیدحسن خمینی

● ایستنا: فرزند آیت‌الله طاهری اصفهانی در پیامی از ایراز همدردی و حضور سیدحسن خمینی در بیت آن مرحوم تقدیر کرد. در بخشی از این پیام حجت‌الاسلامسیدمحمدحسن طاهری به سیدحسن خمینی آمده است. «پیام محبت‌آمیز و تسلی‌بخش حضرتعالی به‌مناسبت رحلت والد ماجد، فقیه عامل و مجاهد عرصه‌های جهاد و مبارزه حضرت آیت‌الله طاهری قدس‌سره واصل گردید. در ادامه آمده است امیدواریم خداوند منان رحمت و مجاهدات آن بزرگمرد صلیبر را برای اعتلای دین حنیف و تحقق عدالت و سربلندی کشور و مردم، مقرون به توفیق و اجر صابران و مجاهدان را در اعمال ایشان ثبت فرماید. از جنابعالی انتظار داریم ما را در پاسداشت حقوق ایشان، پیوسته راهنما و همراه باشید.

ادامه از صفحه اول

خط غلط، املا غلط، انشا غلط

یکی از اموری که حتما و باید با واقعیش کنار بیاییم و از همه جواب بررسی‌اش کنیم «ماهورا» است. لاقا به تجربه نیز در یافتن‌ایم که ممنوعیت و حرمت و جرم‌بودن دیش و ریسور چیزی از اثر گذاری رسانه‌های خارجی کم نکرده و حتی جلوی گسترش‌شان را هم نگرفته. حرفی که ما چند سال پیش با صدای بلند می‌گفتیم و دلسوزانه به پلیس و نهادهای تصمیم‌گیر انداز می‌دادیم که از راه عملیات لابل و پارازیت نمی‌شود جلوی ورود و توسعه ماهورا را گرفت. حالا به تجربه و با پرداخت هزینه ثابت‌شده که حقیقتا نفی وانکار و «اسمشو نبر» راه به جایی نمی‌برد. حتی برنامه‌سازان صداوسیما هم به دلائل بسیار نتوانستند از پس برنامه‌های دج‌دستی شبکه‌های ماهواره بر بیایند و توجه مخاطبان را به سمت خود برگردانند. در دربار تلویزیون و روش‌های مبارزه با ماهواره بحث نمی‌کنم بلکه فقط دارم شما مسوولان امر را متوجه این نکته مهم و اساسی می‌کنم که ماهوراها مهم‌اند و در جریان‌های سیاسی و اتفاقات مهم و سرنوشت‌ساز تاثیر دارند. البته در این‌ن تاثیر گذاری نباید مبالغه کرد، اما دست‌کم‌ش هم نباید گرفت. واقعیت این است که ماهواره به بلندگوی پرسروصدا می‌مبارزه با ماهواره بحث ضدانقلاب و تبعیدی‌ها و خط‌قرمز‌ها و برنامه‌سازان ماهواره که از ایران دورند و دسترسی به فعالان سیاسی داخل ندارند تبدیل شده است. فعالان سیاسی داخل هم محذوریتهای بسیاری دارند که در مباحث ماهورای شرکت نکنند و از طریق این رسانه‌های حرف زنند. اما این محذوریات به نفع جریان‌های سیاسی‌ای می‌شود که اگر اسم معاند و ضدانقلاب و برانداز روشن نگذاریم، مدافع جمهوری اسلامی هم نمی‌توانیم صدایشان کنیم. چون شبکه‌های ماهواره در ایران جایگاه و پایگاه ندارند، مانعیشان هم محدود و کانالیزه است. البته بعضی اوقات توانایی ژورنالیستی‌شان قابل توجه است اما در خیلی از اوقات اطلاعات مغلوط، قاطی اخبار و تحلیل خود می‌کنند. مثلا همین چند بند پیش عکس خاتم ابتکار را نشان می‌دادند و درباره الهه راستگو خبر می‌خواندند. شب شمارش آرا هر کس پای ماهواره نشسته باشد عرض مرا تایید می‌کند که از هر صد خروار تحلیل، صد گرم هم می‌آید. اینها را می‌توان گفت آنچه در جوی می‌رود آب است، آنچه در چشم می‌رود خواب است، من خودم تحلیلگران بسیاری دیدم که از فهم رفتار رای‌دهندگان عاجز شده بودند و ناچار شلیل و ماست را به هم پیوند می‌دادند تا به بیننده‌ها بقبولانند که همچنان تحلیلشان درست است. این فیلان دلوطلب، دماذ یکی از مقامات عالی‌رتبه بود که از این قبیل اطلاعات غلط، غلط، غلط، انشا غلط، املا غلط و تحلیلشان هم غلط، اما واقعیت این است که با این حجم غلط، مشتري و مخاطب دارند و تا صبح مردم را پای گیرنده‌ها بیدار نگه می‌دارند. شاید اگر بسیاری از تحلیلگران داخلی هم در این تحلیل‌ها شرکت می‌کردند، می‌شد از یک‌سویه‌نگری‌های ماهواره کم کرد. جوهر عزم را در دو خط عرض کنم و سرتان را درد نیاروم. من در این‌باره که ماهواره دوست است یا دشمن حرف نمی‌زنم، بلکه در این‌باره حرف می‌زنم که اگر ما نتوانیم از تربیون ماهواره به نفع خودمان استفاده کنیم، این فرصت را یکجا به تحلیلگرانی واگذار کرده‌ایم که هر چه از راست و دروغ و صحیح و غلط می‌خواهند به سمع و نظر ملت بزرگوارمان برسانند. روزنامه‌نگاران، روشنفردان عقیده و رای هستند و اگر ما نتوانیم متاع خوب و صحیح و درست و حسنی‌مان را عرضه کنیم، ماهواره‌های اجناس بنجلشان را قالب می‌کنند. خیلی عجیب نیست که این روزها آخرین تحلیل‌های وی‌اوی» و «بی‌بی‌سی» را داخل تاکسی از زبان راننده و مسافران بشنویم. این وضعیت عادلانه نیست البته ظاهرا این تعبیر برای همه یکسان نیست و گاهی صدای بعضی دوستانتان را از استهلاکات دشمن می‌شنویم، اما به نظرم باید فکری کرد و مشتری‌های ماهواره را از متاع‌های بی‌حقیه و کینه و بی‌حب و بغض محروم نکرد. خیلی طبیعی و بدیهی است که بیشتر تحلیلگران مستقر در خارج عصبانی باشند و با کینه و نفار درباره وقایع حرف بزنند. برای همین است که خیلی زود تحلیلگران منصف و معقول گل می‌کنند و محبوب می‌شوند، منتها هر جور حساب کنیم معقول به نظر نمی‌رسد که ایران عرصه را خالی بگذارد و فرصت را تمام و کمال به اکثریت مخالفانش واگذار کند. واضع‌تر از این هم می‌توانم حرف بزنم اما صبر می‌کنم تا ببینم واقع‌بینی و شفاف‌سازی دوره جدید به کجایماند.